

تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی بر کرانه‌های سرزمین لبنان

پیوستگیهای لبنان و ایران
به‌دورترین ادواتاریخ میرسد.
دانشمند فرانسوی رنه دوسو
(René DUSSAUD) بمناسبت
کشف یک مدال طلا منقوش به
هلال و گل در بسابل اینگونه
پیوستگیها را بیش از پیش نمایان
ساخته است. دانشمندان نامبرده
پیوستگی نزدیک بین این مدال
را که مربوط به اوایل هزاره
دوم پیش از میلاد است بامدالهای
مشابهی که در کشور باستانی
شوشیناک (خوزستان) پیدا
کرده‌اند نشان داده است :

اما این پیوستگیها دردوران
شاهنشاهی ایران بیش از پیش
استوار و بی واسطه ودوستانه تر
شد .

بقلم

موریس شهاب

(مدیرکل باستانشناسی لبنان)

کورش درباره مردم خاورمیانه سیاست نزدیکی و همبستگی را بکار می‌بست. این سیاست بخصوص در مورد مذهب جلوه گر شد و از این رو وی برای برپا ساختن معبد بیت المقدس منشاء حمایت و تاثیر فراوانی بوده است. در کشورهای فنیقی هم معبد اشمون در شهر صیدون گواه همکاری شاه شاهان و پادشاهان فنیقی بشمار میرود: معبد نامبرده در آغاز قرن کنونی بوسیله هیئت ویگان (Wiegand) بطور سطحی خاک برداری شد و در سالهای اخیر خاک برداری کاملی در آن انجام گرفت.

اداره کل باستان شناسی لیمنان آقای موريس دونان Maurice Dunand رامامور کاوش نمود و برای اجرای این منظور اعتبارات وسیع و کافی باختیارشان گذارد. در حال حاضر عملیات خاک برداری گسترش زیادی یافته و موجب گردیده است که معبد باستانی مورد ذکر به بلندی بیست متر و پهنای شصت متر در معرض دید و تحسین بینندگان قرار گیرد. بطور کلی در این معبد بوضوح از شیوه محوطه‌های باز و وسیع ایرانی الهام گرفته شده است، آثار مختلفی از آنچه باز گو کننده هنر ایران است از این معبد بدست آورده‌اند. از جمله آنها پیکر حیوان قشنگ افسانه‌ای از مرمر به سبک هخامنشی و ستون مرمرینی را میتوان نام برد که مجسمه‌های چهارونیم تنه گساو بر فراز آن رو بچهار جانب قرار داشت.

کتیبه‌های فنیقی که بوسیله آقای ویگان (Wiegand) بر روی نمای تحتانی پائین‌ترین سکوی زیرین این بنا کشف شده است حکایت میکند که معبد نامبرده بوسیله بود اشتارت پادشاه صیدون برپا گردیده است.

چنانکه از فحوای کتیبه‌های گوناگون برمی‌آید این پادشاه یکی از اعضاء خاندان معروف سلطنتی صیدون بوده است که از آن پادشاهانی چون اشمونازار اول، تابنیت، اشمونازار دوم و مادرش آماشتارت نیز برخاسته‌اند. بنا بر نوشته‌های روی تابوت اشمونازار، شاه شاهان دشت حاصلخیز سارون

را که درسواحل فلسطین قرارداد به اشمونازارو مادرش واگذارده است . هرچند شاهان (Ptolomees) نیز بنام شاه شاهان نامیده میشوند و این رسم را از رسوم شاهنشاهی بزرگ ایران بارث برده بودند اما خدماتی که فنیقیان برای کمبوجیه در جنگ بامصر ولیمی انجام داده بودند چنین پاداش شاهان را سزاوار ایشان میداشت .

از نوشته های یونانیان نیز درباره چگونگی پیوستگی بین نخستین شهریاران هخامنشی و حتی پیش از هخامنشیان با فنیقیان اطلاعات خوبی بدست می آید .

در موقع جنگ بین ایران و یونان وسعت کشور شاهنشاهی ایران تا کرانه های دریای اژه و مرزهای مصر میرسید و در حقیقت بعلت وسعت زیاد میتوان آنرا قاره شاهنشاهی نامید .

رفتار یونانیان اروپا نسبت به یونانیان آسیای صغیر شاهان را برانگیخت به حمله دریائی مبادرت نماید و لازمه رسیدن به چنین مقصودی این بود که نسبت به فنیقیان که بر دریاها حکومت میکردند سیاست دوستانه درپیش گیرد .

کمبوجیه پیش از حمله به کشور یونان لازم دانست بجنگ فرعون مصر که یونانیان آسیای صغیر را بهشورش بر میانگیخت برود . فنیقیان نه تنها کمبوجیه را در جنگ بر علیه مصر با کمبوجیه همراهی کردند بلکه در جنگ بر ضد لیبی نیز شرکت جستند ، هرودوت توضیحات زیادی درباره امتیازاتی که شاه ایران به فنیقیان بخشیده بود میدهد .

در جلسات مشاوره جنگی پادشاهان فنیقی شهر صیدون و شهر تیر در نخستین جایگاه پشت سر شاه شاهان می نشستند وقتی کمبوجیه تصمیم بجنگ با کارتاژ گرفت فنیقیان خود را کنار کشیدند و اظهار داشتند که نمیتوانند بجنگ فرزندان خود بروند . شاه شاهان برای رعایت احساسات فنیقیان و

بدون توجه به مخالفت‌های شاهان دیگر از حمله دریائی به کارتاز صرف نظر نمود و دست بیک حمله زمینی زد که موفقیتی بدست نیامد. امری طبیعی است که پادشاهان صیدون ضمن این لشکر کشی‌ها تابوت‌های تابینت و اشمونازار را از مصر همراه خود آورده باشند. قسمت آخر نوشته‌های تابوت اشمونازار دقیقاً حکایت از ساختمان معبد هائی در اشمون و آشتر در نزدیکی‌های آین - ایدال در حول و حوش شهر صیدون میکند. امروزه نیز آب از زیر معبد اشمون میگذرد. بوداشنارت فقط به نوسازی یا وسعت دادن معبدی که پدر بزرگش اشمونازار ساخته بود پرداخت.

ایرانیان در قبال کمک‌های فنیقیان امتیازاتی بایشان دادند چنانکه داریوش بزرگ هنگام سازمان بخشیدن به شاهنشاهی هخامنشی صیدون را مرکز پنجمین ساتراپی قرارداد که وسعت آن تاسرزمین‌های دور- دست در امتداد فرات گسترده بود. فنیقیان نیز در عوض کمک شایانی به شاه بزرگ کردند. ناوگان ایشان نقش بسیار مؤثری را در نبردهای داریوش بزرگ و پس از او در پیکارهای خشایارشا ایفا نمود.

در آغاز سده بیستم میلادی در شهر صیدون هنگام پی برداری مدرسه آمریکائی و پس از آن مدرسه فرانسوی برادران ماریست آثار مهمی از کاخ آپادانای شاهنشاهی ایران از دل خاک نمودار شد. در نتیجه کمک‌های مالی (Amesican Presbyterian Mission) و خانم لیوینگستن (Livingston Taylor) ماچندین اثر مهم متعلق بکاخ آپادانای نامبرده را بدست آوردیم. و از نتایج همینگونه کشفیات بود که توانستیم پایه ستونی بفرم آشوری بنام «کولانو» و همچنین یک سرستون مشتمل بر دو نیم تنه گاورا که پشت بهم است دوباره برقرار سازیم.

هنر ایران در سرزمین‌های فنیقیه حتی در کارهای هنری کم اهمیت نیز تأثیر نموده است. سکه‌های شهر صیدون تصویر شهریاری را نشان میدهد که در

يك ارابه ایستاده و جامه او جامه شاهنشاه ایران است. يك نفر با کلاهی مخروطی شکل شیوه فنیقی پشت ارابه دیده میشود. نوشته روی سکه مرکب از دو حرف فنیقی اول اسم شاه ابد اشتارت یابود اشتارت است و این رسمی از فنیقیان بود که در دوران شاهنشاهی هخامنشیان گسترش یافت.

نزدیک همانجایی در قرن گذشته تابوت اشمو نازار کشف شد گور ناشناخته‌ای پدیدار گردید که درون آن قطعه زینتی جواهرمانندی مربوط به اواخر قرن پنجم پیدا شد. این جواهر دارای يك حلقه نقره‌ایست که بر روی آن چنگالی از طلا درست شده که سنگ آماتیس بزرگی را در بر میگیرد. روی سنگ آماتیس يك ربه‌النوع در حالیکه روی تخت پادشاهی نشسته است دیده میشود و جلوی او یکنفر در حال نیایش قرار دارد و بر زمین سنگ علامتهای مربوط به ستاره شناسی وجود دارد. حالت و طرح لباسها بروشنی تحت تأثیر هنر ایران قرار گرفته است.

چند سال پیش هم در ویرانه‌های شهر بیلوس يك پایه مجسمه فنیقی پدیدار گشت که قسمت فوقانی آن (یهاومیلک شاه Yehawmilk) را هنگام پرستش در مقابل (بالات Baalat) نشان میدهد. بالات همانند ایزیس هاتور (Isis Hathor) نمایش داده شده است. لباس و کلاه شاه کاملاً از هنر هخامنشی الهام گرفته و همانند لباسهائی است که بر تصویر شاه در سکه‌های شهر صیدون دیده میشود.

نا گفته نماند که شاهنشاهان هخامنشی در سراسر کشورهای خاور نزدیک شبکه استحكامات و دژها ایجاد نمودند.

آقای دونان هنگام برگزاری جشن پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه آمریکائی بیروت کشف مهم تازه‌ای را که در بیلوس انجام گرفته بود باطلاع همگان رسانید. کشف نامبرده مربوط بدژی از دوران شاهنشاهی هخامنشی ایران بود که از چندین برج ترکیب شده و بر جها بوسیله دیواری بهم پیوسته بود دو مجسمه يك پارچه نیم تنه شیر دیوارها را زینت می‌بخشود.

آقای دونان به پیوستگی و شباهت معماری این دژ با معماری معبد اشمون و دژ هائی که در بیت المقدس و بانیاس کشف شده است اشاره نمود. از طرف دیگر این جانب هم در ویرانه های باستانی شهر تیر شروع به کاوش کرداری باروی دو جداره آنجا کرده ام که بخشهایی در آن در دوران فرمانروائی هخامنشیان ساخته شده یا مورد استفاده مجددا قرار گرفته است.

دیری نمی باید که در سده چهارم پیش از میلاد سرزمینهای فنیقیان در شورش های ساتراپها شرکت جستند و چون ساتراپهای دیگر دست از شورش برداشتند فنیقیان تصمیم بر ادامه شورش گرفتند و رهبری شورش را به استراتون پادشاه هیدون وا گذاردند. پس از این شورش بود که اردشیر سوم به صیدون حمله کرد و آنجا را به آتش کشیده شد.

هنگامی که اسکندر با داریوش سوم جنگید چند فرمانروای فنیقی فرمانبردار ایرانیان بودند لکن تمام ملت فنیقیه بیش از پیش به یونان دلبستگی یافته بود. اسکندر از بیم آنکه پادشاهان فنیقیه جنگ را به کرانه های یونان بکشانند و با عناصر ناراضی آنجا متحد گردند و بویژه برای از میان برداشتن نیروی اقتصادی و دریائی فنیقیان در قلب کشورشان، دست از تعقیب داریوش سوم که بجانب کرانه های فرات عقب نشینی میکرد برداشت و خود به کرانه های کشور فنیقی رو آورد.

با وجود پیروزیهای اسکندر و اشغال کشور هخامنشیان تمامتهای مدید پس از وی یادگار هائی از هنر هخامنشی در کشورهای فنیقی برجای ماند. در مجموعه عکسهای مجسمه های کوچکی که در کاوشهای خرابی بدست آمده است و چند سال پیش آنها را انتشار داده ام سعی کرده ام که اهمیت تأثیر هخامنشیانرا بهتر معلوم سازم. کلاهها، جامه های فراخ و چین دار برخی شخصیتها و یا بعضی از بچه ها تأثیر فراوان هنر هخامنشی را تا قرن سوم پیش از میلاد بخوبی نشان میدهد.

شش قرن پس از دوره هخامنشی باردیگر نفوذ ایرانیان با آئین مهرپرستی به کرانه‌های فنیقی بازگشت. معبد مهری صیدون بهترین نمونه و گواه چنین نفوذی است و بنازگی هم نوشته‌ای مربوط به آئین مهرپرستی در معبد اشمون بدست آورده‌اند. در شهر تیر نیز اینجانب چندسال پیش مجسمه‌هائی پیدا کردم که بیک عبادتگاه مهر تعلق داشت.

در کتابی که راجع به موزائیکها نوشته‌ام پیوستگیهای چشمگیری بین این موزائیکها و نقوشی که تا با امروز نیز معرف و شاخص فرشهای ایران است مشاهده میشود.

چنین پیوستگیها و ارتباطها با هنر ایران تار و پود گارها در ظروف کاشی و هنرهای چوبی برقرار است و برررسی درباره این پیوستگیها در دوران اسلام بدرزا میکشد و بدین جهت گفتگوی خود را با اشاره کوتاهی بدوران رومیان پایان می‌بخشم.

در دوره‌های ساسانی و روم شرقی هنرمندانی در کارا بریشم بایران مهاجرت کردند و آنجا را برای خود وطن دوم یافتند و سهمی در پیشرفت و رونق این صنعت بدست آوردند.

در زمان پیروزی و گسترش اسلام خانواده‌های ایرانی در بعلبک و دیگر نواحی لبنان سکونت داشتند.

خاندانهای متعدد لبنانی هستند که خود را ایرانی الاصل میخوانند و رسوم خانوادگی و اجتماعی ایرانیانرا محفوظ داشته و پیروی میکنند.

در اوایل قرن هفدهم میلادی روابط بسیار گسترده‌ای بین امیر فخرالدین دوم فرمانروای لبنان و شاه عباس کبیر وجود داشت و مقام مهمی را که شیخ لطف‌اله عاملی در نزد شهریار بزرگ ایران داشت مؤید همین معنی است. علمای جبل عامل در پیشرفت و توسعه علم در ایران سهمی بسزا داشته‌اند و در حال حاضر چنین تأثیری بصورت متقابل جریان دارد.

با توجه بدین مراتب بجزرت میتوان گفت در طول قرنهای متمادی از دوران کورش بزرگ تا زمان حاضر کشورهای ایران و لبنان دارای ارتباط و پیوستگیهای دائم بوده‌اند.

